

# تأملی در سکن خیدار

کاظم - سادات اشکوری

مرکز پژوهشهای مردم‌شناسی و فرهنگ عامه

«چندار Cendâr» یا «چندار Candâr» دهی است از بخش ساوجبلاغ شهرستان کرج. این ده از شمال به «خوروبین»، از جنوب به «پل کردان»، از مشرق به «بانو صحرا»؛ و از مغرب به «قلعه سلیمانخانی» محدود می‌شود.



در جاده کرج - قزوین، ۱۶ کیلومتری کرج - در «علیخان سلطانی» - جاده فرعی به دست راست می‌پیچد. این جاده که به «ولیان» می‌رود، پس از پشت سر نهادن «کردان برقان» و «بانو صحرا»، در ۱۱ کیلومتری، به «چندار» می‌رسد.

وارد «چندار» که می‌شویم، سمت راست جاده دودبوار بلند دیده می‌شود و سمت چپ چند خانه. ده که پشت جاده قرار دارد؛ پیدانگیز نیست. تنها در قسمت غربی - بالای تپه‌ای - بنائی دیده می‌شود که اما مزاده است و در قسمت شمالی؛ تپه‌ای، بالای تپه‌ی شمالی که برویم تمام ده پیش چشم می‌آید؛ و نیز جاده‌ی اصلی (کرج - قزوین) که از پنج کیلومتری جنوب «چندار» می‌گذرد.



جمعیت «چندار» در حدود ۱۱۸۰ نفر است در ۲۱۵ خانوار. از این جمعیت در حدود ۱۰۰ نفر کارگر کارخانه‌های «اشتاد» و «آرزومان» هستند، که این کارخانه‌ها در پنج کیلومتری ده قرار دارد. و بقیه به کشاورزی و دامداری اشتغال دارند. از مدرسه‌ای که در سال ۱۳۲۷ تأسیس شده افراد زیادی سواد خواندن و نوشتن آموخته‌اند اما چهار نفر از چنداری‌ها که دکتر و مهندس شده‌اند و در حدود بیست

نفر که سواد ششم متوسطه و پائین‌تر دارند؛ «چندار» را ترك گفته‌اند و در تهران به سر می‌برند. و هم‌اینان، که خانواده‌شان را نیز به شهر کوچ داده‌اند، تابستانها را يك تا دو ماه به «چندار» می‌روند.

## سیمای چندار

چندار را درختان تبریزی، گیلاس، آلبالو، سیب و... زینت داده است؛ و خانه‌ها با بامهای تخت وسط درختها نشسته‌اند.

تپه‌ای وسط ده قرار دارد. کمی پائین‌تر از نوک تپه؛ خانه‌ها نیم‌دایره‌ای زده‌اند و به سوی جلگه پیش رفته‌اند. پیرمردها می‌گویند، در گذشته «رودخانه ولیان» طغیان می‌کرد و آب تمام جلگه را فرا می‌گرفت. این بود که مردم به تپه روی آورده بودند تا از آسیب سیل در امان مانند. و خانه‌ها فشرده بود و به هم چسبیده. بعد در پانصد متری شرق، نهری کندهند و آب را به آن نهر هدایت کردند. نهری که در آن زمان کنده‌اند، اکنون به صورت دره‌ای درآمده است.

همینکه برای خلاص شدن از سیل چاره‌ای اندیشیدند بتدریج تپه را رها کردند و به جلگه روی آوردند؛ و خانه‌ها از هم فاصله گرفتند. خانه‌های اطراف تپه اکنون به صورت خرابه‌های بی‌سقف و گاه بی‌دیوار برجای است.

در شکل تازه، ده دوشاخه می‌شود: شاخه‌ای در قسمت شرقی با انحنائی تپه را دور زده به شمال پیش رفته است. و شاخه‌ای دیگر به جنوب روی آورده رو به جلگه پیش روی آغاز کرده است. (طرح ۱)

چنین برمی آید که گسترش ده رو به شمال و جنوب ، در آغاز ، یکسان صورت می گرفته است . اما قسمت شمالی از توقف بازمانده و پیش روی به جنوب ادامه یافته است . گسترش به جنوب ، به دلایلی که خواهد آمد ، هنوز ادامه دارد .



چندار فعلی دو محله را در برمی گیرد :

۱ - پشت تپه

۲ - آشاقی محله *asâqi mahalle* که «شغالان کوچک» یا «اروش کوچک *Orus koce* نیز نامیده می شود .

در «پشت تپه» ، یک کوچه‌ی پهن از وسط خانه‌ها پیچ می خورد و به مزارع می رسد . در این قسمت از ده خانه‌هایی که حیاط بزرگ داشته باشند ، کمتر دیده می شود .

اما در «آشاقی محله» دو کوچه پهن به موازات هم از جاده‌ی اصلی شروع و به پای تپه می رسد . در این قسمت از ده خانه‌ها رو به تکامل رفته‌اند تا کنار جاده و از پائین جاده شکل غائی خود را یافته‌اند .

خانه‌های دور تپه مجتمع‌اند و بام خانه‌ای حیاط خانه‌ی دیگر به شمار می آید . اما از تپه که دور شدیم ، گستره‌ی دشت امکان آن را داده که تکه‌ای از خاک باغ کوچکی شود و جای حیاط را بگیرد .

هشت باغ بزرگ دور روستا را حصار کشیده‌اند : دوباغ در شمال ، یک باغ در جنوب غربی ، سه باغ در مشرق و دوباغ در جنوب . دوباغ اخیر - به علت احداث جاده - اکنون در وسط ده قرار گرفته‌اند . جزاینها حیاط اغلب خانه‌ها خود باغی کوچک است و این البته به نوع معیشت هر خانوار مربوط می شود .



چندار دو حمام دارد : یکی قدیمی که در حدود ۶۰ سال قبل ساخته شده و قرار است تبدیل به «زورخانه» شود ، و یکی نو که از آن استفاده می کند و چهار دوش دارد ، این روستا دو مسجد دارد : یکی قدیمی با دیوار خشتی که در شرق ده پای تپه قرار دارد با درهای چوبی بلند ، و یکی نو که مسجد امام حسن مجتبی نامیده می شود و حسینیه‌ای دارد قدیمی که در دهه‌ی اول محرم در آنجا تعزیه خوانی می کنند . (تصویر ۱) وسعت این مسجد ۱۲×۲۰ متر است و با تیر آهن و آجر ساخته شده است .

قهوه‌خانه‌ی ده پائین جاده قرار گرفته است و محل تجمع روستائیان در روزهای بارانی و ساعات فراغت است .

هفت خواروبار فروشی ، دو قصابی ، دونجاری ، دو تعمیرگاه دوچرخه و موتور و یک آرایشگاه دکان‌های چندار

را تشکیل می دهد . اغلب این دکان‌ها در حقیقت اتاقی از خانه‌ی مسکونی هستند که دری به کوچه دارند .

### مسکن از جهت نوع مصالح

اغلب خانه‌های «چندار» یک طبقه است و رو به قبله (جنوب) ساخته شده است و تعدادی هم رو به «امام‌رضا» (مشرق) .

این خانه‌ها را - از جهت نوع مصالح - به پنج دسته می توان تقسیم کرد :

۱ - سنگ و گل

۲ - گل مهره و خشت

۳ - خشت

۴ - سنگ و گل و خشت

۵ - آجر

در این مختصر سعی می شود ویژگی‌های هر یک از این مسکن آورده شود .

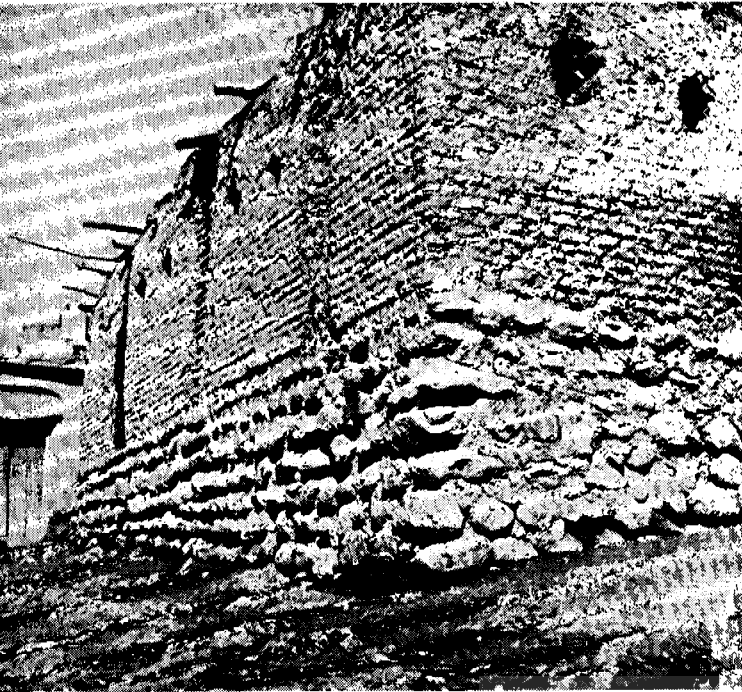
#### ۱ - سنگ و گل

خانه‌هایی که با سنگ و گل ساخته شده احتمالاً از دیگر انواع خانه‌های این روستا قدیمی تر است . تپه‌ای که در دامنه‌اش از این خانه‌ها می توان یافت ؛ از نوعی سنگ متمایل به خاکستری که به آسانی لایه لایه می شود ، بالا آمده است . در دسترس بودن مصالح از یک سوی و تخت بودن لایه‌های سنگی از سوی دیگر ؛ از عوامل مهم به وجود آمدن این خانه‌ها بوده‌اند .

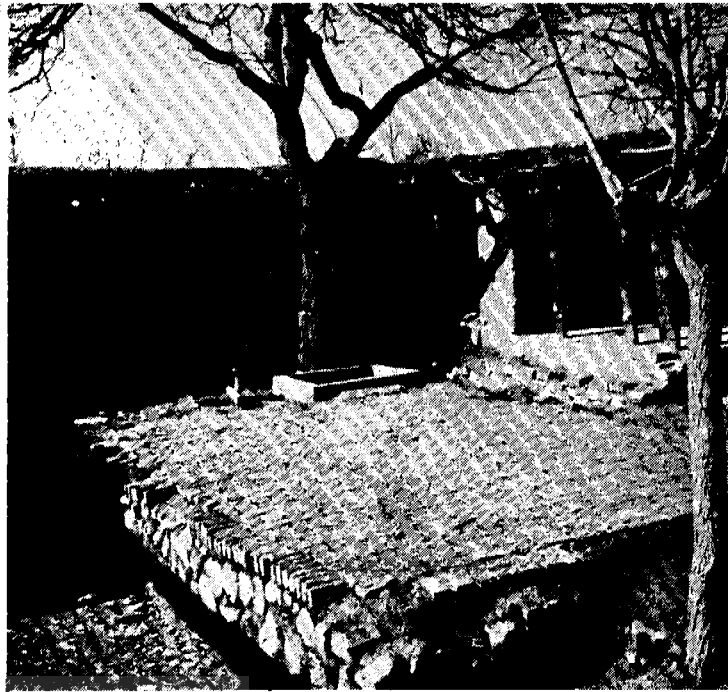
برای ساختن این خانه‌ها نخست جای خانه را در نظر می گرفتند و بعد با «دیل» و «کلنگ» از تپه سنگ کنده در «سنگ کش» می نهادند یا به زنجیر به هم می بستند و در هر دو صورت بار الاغ می کردند و می آوردند .

چون برای پی به «آهک» نیز نیاز داشتند ، سنگهای آهکی را شکسته در کوره می ریختند تا تبدیل به آهک شود . و آهک را در «جوال» ریخته بار الاغ می کردند و می آوردند . سنگ و آهک که آماده می شد ، به پی کنی مشغول می شدند . نخست مستطیلی بزرگ در نظر می گرفتند بی هیچ اندازه‌ای مشخص و بعد که دیوار را بالا می آوردند ، در وسط آن مستطیل یک یا دو تبغه می کشیدند و اتاق یا اتاقهایی تازه ترتیب می دادند .

در آغاز ، نیم متر پی می کردند و بعد پی را با سنگ و آهک پر می کردند تا سطح زمین . بعد ، دو تا سه روز صبر می کردند تا پی خشک شود . پی که خشک می شد ، دیوار را



تصویر شماره ۲ : دیواری از سنگ و گل و خشت



تصویر شماره ۱ : حسینیه مسجد

به عرض تقریبی یک متر در دو ردیف با سنگ می‌چیدند و در فاصله‌ی سنگها «ملاط» می‌ریختند .

به هنگام چیدن سنگ و گل در هر دیوار غالباً چهار تاقچه و چهار رف در نظر می‌گرفتند و به تاقچه و رف که می‌رسیدند چوبی در عرض دیوار قرار می‌دادند تا تاقچه شکل بگیرد و بعد دیوار را تا ۲۵ متر بالا می‌آوردند و آنان که با سلیقه‌تر بودند ؛ انتهای دیوار را نیز با چوب می‌پوشاندند. در این قبیل خانه‌ها از پنجره خبری نبود تنها یک در کوچک برای هراتاق در نظر گرفته می‌شد .

کار چیدن دیوار به عهده‌ی بنا بود ؛ اما افراد دیگر به عنوان «وره vare» به کمک آن کس که خانه می‌ساخت ، می‌رفتند و صاحب خانه کمک آنان را با همکاری در درو، خرمن و از این قبیل جبران می‌کرد .

باری ... دیوار که بالا می‌آمد ، «تیر» هارا در عرض سقف قرار می‌دادند و برای مثلاً یک اتاق ۳×۴ متر ؛ ۱۲ تیر می‌گذاشتند از چوب تبریزی . شاخ و بال این درخت‌ها را به عنوان « چرپی Cerpi» روی تیرها می‌ریختند . آنها که با سلیقه‌تر بودند و به استحکام بنا نیز توجه بیشتری داشتند بوته‌های «کاروان‌کش»<sup>۱</sup> یا «سگ‌میز»<sup>۲</sup> را نیز روی

برای جمع شدن آب به سطح بام که بتواند راه ناودان را درپیش‌گیرد ، سنگهای تختی در حاشیه‌ی بام می‌نهادند و روی آن سنگها را «شفته» و «خاک» می‌ریختند تا در سطح بالاتری قرار گیرد ؛ که هم آب به دیوار نفوذ نکند و هم از شیب کوتاهی به سطح بام جاری شود .

برای جلوگیری از چکه کردن ، بام را لگد می‌کردند یا گاه و خاکستر روی بام می‌ریختند و همگی افراد خانه می‌رفتند و بام را لگد می‌کردند که این کار هنوز هم مرسوم است .

□



تصویر شماره ۳ : نمونه‌ای از يك آغل

آن در دو ردیف خشت خام می‌چینند تا سقف .  
تفاوتی که بام خانه‌های «گل مهره و خشت» و «خشت»  
با بام خانه‌های سنگ و گل دارد این است که در این خانه‌ها  
روی «تیر» حصیر می‌گذارند و بعد روی حصیر «چربی»  
می‌ریزند . و این تجربه‌ای دیگر است تا موش نتواند خاک را  
از سقف به داخل اتاق بریزد .  
از جهات دیگر این دسته از خانه‌ها تفاوت چندانی با  
خانه‌های دسته‌ی اول ندارد .

### ۳ - خشت

در خانه‌های خشتی نیز پی را سنگ و گل می‌ریزند و  
بعد دیوار را با خشت خام بالا می‌آورند . و تفاوتی دیگر  
با خانه‌های «گل مهره و خشت» ندارد .

### ۴ - سنگ و گل و خشت

در این دسته از خانه‌ها سنگ و گل را که در پی  
می‌ریزند تا يك متر از سطح زمین بالا می‌آورند که نمای يك  
سوم از دیوار سنگ و گل است . و بعد خشت می‌چینند تا  
سقف . (تصویر ۲) .

خانه‌هایی که به این ترتیب ساخته می‌شد غالباً دو اتاق  
تودرتو داشت : یکی زمستانی و یکی تابستانی . اتاق نخستین  
را «قبايق اتاق qâbâq otâq» (پیشین) می‌نامیدند و اتاق  
دومی را «پسینه pasine» .

در گذشته که در «چندار» دامداری ، مخصوصاً  
نگهداری گوسفند و بز ، رونقی داشت ؛ برای دامها «زاغ‌های»  
در زمین جلو خانه حفر می‌کردند و در این «زاغ‌ها» چند  
سوراخ برای روشنایی تعبیه می‌کردند .

در آن زمان آشپزخانه شکل مشخصی نداشت . چهار  
ستون کوچک جلو خانه قرار می‌دادند و بعد روی آن‌ستونها  
را با بوته می‌پوشاندند . «سگدانی» و «مرغدانی» نیز به  
همین ترتیب در گوشه‌ی حیاط ساخته می‌شد ؛ با این تفاوت  
که دیواره‌های مرغدانی را با گل می‌پوشانیدند .

### ۲ - گل مهره و خشت

برای ساختن خانه‌هایی با «گل مهره و خشت» نخست  
پی را سنگ و گل می‌ریزند و يك هفته صبر می‌کنند تا پی  
خشک شود . آنگاه يك ردیف «گل مهره Gel Mohre»<sup>۲</sup>  
می‌چینند . این «گل مهره» را يك ردیف که چینند ، روی

دریچه به داخل کاهدان می‌ریزند. در برخی از کاهدان‌ها این دریچه را در دیوار قرار داده‌اند.

کاهدان‌ها غالباً در جداگانه‌ای ندارند. بدین معنی که از داخل طویله دری به کاهدان باز می‌شود و رفت‌وآمد از آنجا صورت می‌گیرد.

ث - در طویله‌ی گوسفند و بز آغلی به شکل «ناو» (ناف) در حدود ۳۰ سانتیمتر از کف اتاق در نظر گرفته‌اند که از چوب است و دیواره‌اش را با سنگ و گل چیده‌اند. روی این آغل را چوبهای بلندی گذاشته‌اند و گاه روی آن چوبهارا گاه‌گل می‌مالند که تنها سر گوسفند یا بز بتواند در آغل قرار گیرد.

در طویله‌ی گاو، آغل را به شکل حوضکی دایره‌شکل کنار دیوار از سنگ و گل بالا آورده‌اند. (تصویر ۳) و در برخی از طویله‌ها در داخل دیوار دریچه‌ای لوزی شکل ترتیب داده‌اند که در گودی قسمت پائینش برای گاو یا الاغ علف می‌ریزند. این طویله‌ها گاهی آغل دوده‌دهنده دارد یعنی دهنه‌ای از آغل به طرف بیرون است و دام را که جلو طویله می‌بندند باز می‌تواند از آن آغل استفاده کند. (تصویر ۴).



از این بناها مطبخ به اتاق نشیمن نزدیک‌تر است و بعد

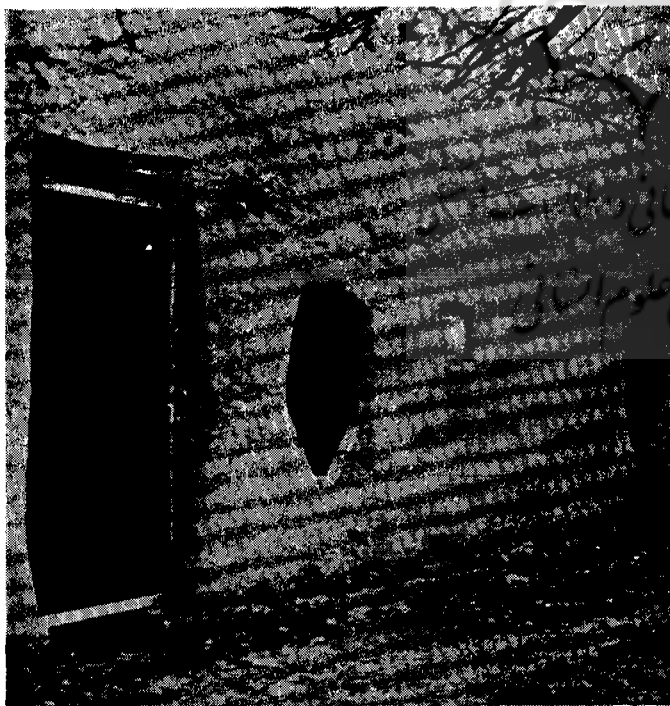
اغلب خانه‌های دسته‌ی دوم و سوم و چهارم در حیاط خانه؛ طویله، کاهدان، «تندرسان» tandursân و «مطبخ» دارند. این بناها بیشتر با «گل مهره و خشت» ساخته شده‌اند اما انواع دیگر نیز به چشم می‌خورد. آنچه این بناها را از خانه‌های مسکونی متمایز می‌سازد، دوری و نزدیکی به اتاقهای نشیمن است و هواکش‌ها و ... از این قبیل. مثلاً:

الف - در «تندرسان» (جائی که نان می‌پزند) یک یا دو تاقچه در نظر می‌گیرند؛ و سوراخهایی به شکل مثلث در انتهای دیوار نزدیک به سقف؛ که «بایجه Bâje» نامیده می‌شود. از این سوراخها یکی هم روی بام هست که آنرا هنگامی که باران می‌بارد با یک تکه حلبی می‌پوشانند.

ب - در دیوار طویله نیز یک تا دو و گاه بیشتر سوراخ تعبیه می‌کنند. هنگامی که هوا سرد است؛ این سوراخ‌ها را با گاه و کهنه می‌بندند و هوا که گرم شد، کهنه را برمی‌دارند تا هوای طویله عوض شود.

پ - هر مطبخ معمولاً یک پنجره دارد برای خارج شدن دود و تابیدن نور؛ و یک تا دو تاقچه برای گذاشتن «دیگ» و «جام» و «بایده Bâjde» (بادیه).

ث - در پشت بام کاهدان یک «دریچه» در نظر می‌گیرند که گاه را با «تور» پنبه‌ای می‌آورند و از آن



تصویر شماره ۴: نمونه‌ای از آغل دوده‌دهنده

«طویل» و بعد «تندرسان». به ندرت «تندرسان»ی به اتاق نشیمن وصل است و این - البته - متعلق به کسانیست که بیش از نیازشان نان می‌پزند و باقیمانده را به فروش می‌رسانند. شاید به این سبب که بتوانند به آسانی به اتاق نشیمن رفت و آمد کنند و همینطور از بچه‌ها بی‌خبر نمانند.

## ۵ - آجر

خانه‌هایی که توصیف شد، پشت جاده قرار گرفته‌اند. در پشت جاده به ندرت بنای آجری دیده می‌شود؛ حال آن‌که بناهای پائین جاده که ده را به طرف جنوب گسترش داده‌اند همه آجری هستند.

پانزده خانه‌ی پائین جاده در شش هفت سال آخر ساخته شده است. حیاط این خانه‌ها اغلب باغ بزرگیست و از جهت بنا هم شباهتی با خانه‌های قدیمی ندارد.

با اینکه در شمال و شرق و غرب ده زمین‌های فراوان هست، به دلایلی که می‌آید ده رو به جنوب پیش‌روی آغاز کرده است:

الف - نخست پائین جاده مزرعه بود و مزرعه از آن مالک بود؛ و مالک اجازه نمی‌داد در مزارع خانه بسازند. اصلاحات ارضی که شد (در سال ۱۳۴۵) آنان که در پائین ده صاحب مزرعه شدند، خانه‌ی قدیمی را رها کردند و به این قسمت از ده روی آوردند.

ب - قریب هفت‌سال است که جاده به ده آمده است و این جاده آوردن مصالح ساختمانی را از شهر آسان کرده است.

پ - قنات بزرگ ده از پای ده قدیمی، کنار جاده، سردمی‌آورد و استفاده از آب برای ساکنان پائین جاده به آسانی صورت می‌گیرد.

ت - مطبوع بودن هوا که خانه‌ها در این قسمت از ده دور از هم قرار دارند و دشت پیش روی است و فضا باز.



به نظر می‌رسد از میان این عوامل؛ عامل نخست (اصلاحات ارضی) و عامل دوم (احداث جاده) تأثیر مهمی داشته‌اند.

تصویر شماره ۵: خانه‌های اطراف تپه‌ک که به هم نزدیک شده‌اند



اکنون در اختیار يك خانواده است و صاحب قبلی در غرب روستا برای خود خانه‌ای تازه ساخته است .

### فشرده‌گی و گستردگی مسکن

خانه‌های چنددار در قسمت قدیمی (پشت جاده) نزدیک به هم است . اما در قسمت جدید (پائین جاده) این فاصله به چشم نمی‌خورد و خانه‌ها دور از هم قرار دارند . تنها در اطراف تپه است که خانه‌ها بیشتر از قسمت‌های دیگر به هم نزدیک شده‌اند . (تصویر ۵) .

اغلب خانه‌هایی که حیاط دارند ؛ دیوار حیاط را بطول ۱۸۰ تا ۲۳۰ متر با (گل مهره) بالا آورده‌اند . و تعداد کمی هم دور حیاط را چپر کرده‌اند .

در ورودی خانه‌ها - غالباً - دولنگه است به طول دومتر و در خانه‌های قدیمی کوتاه‌تر است . (تصویر ۶) . در ورودی باغها اغلب کوتاه است و تنها باغهای تازه درهای بلند دارد .

اغلب خانه‌ها - با آنکه دیوار بلندی دور حیاط کشیده‌اند - برای مراقبت و پاسبانی سگی به گوشه‌ی حیاط بسته‌اند که شب هنگام رهایش می‌کنند .

اغلب خانه‌ها چاه آب دارند و با چرخ و دلو از چاه آب می‌کشند . هشت تا شانزده متر که زمین را بکنند به آب می‌رسند ؛ اما این آب برای خوراندن به دام ، ظرف شستن و از این قبیل مورد استفاده قرار می‌گیرد .

اتاقهای قدیمی درهای دولنگه‌ی کم عرض دارند که با زبانه‌ای به چارچوب بالای در قفل می‌شود . درهای ورودی نیز زبانه دارند اما این زبانه‌ها پهن‌تر هستند و عرض دولنگه‌ی در ورودی نیز به ۱۵۰ متر می‌رسد .

در اتاقهای قدیمی پنجره‌ای به چشم نمی‌خورد . تنها برخی اتاقها پنجره‌های مشبك چوبی دارند و برخی سوراخی در حدود ۵۰×۵۰ سانتیمتر در دیوار ایجاد کرده‌اند و در آن سوراخ شیشه‌ای قرار داده‌اند که از آنجا نور وارد اتاق می‌شود .

دیوار خانه‌های قدیمی در حدود ۲۵ متر است و درها ۱۵ متر . در را به این دلیل کوتاه می‌ساختند که هر که وارد خانه می‌شود سرخم کند . نه فقط برای احترام به صاحب‌خانه ؛ بل که در هر خانه‌ای «قرآن» هست و «نان» نیز ، و این هر دو را باید ارج نهاد و احترام گذاشت . اما در خانه‌های جدید دیوار در حدود ۳ متر است و در ۲۵ متر . این خانه‌ها پنجره‌های بلند دارند و به تقلید از خانه‌های شهری ساخته شده‌اند .

### حیوانات خانگی

«مار سفید» ، رطیل ، عقرب ، موش و ... از حیوانات

جاده با خود مصالح جدید ساختمانی ، اتومبیل ، بانک ، چراغ گاز ، رادیو ، تلویزیون ، کمدهای فلزی و ... را آورده است . از تلویزیون چند خانواری که از «برق‌موتور خصوصی» سهمی دارند ؛ استفاده می‌کنند .

جاده ، که در نشست و برخاست ، طرز لباس پوشیدن و ... مردم اثر نهاده ؛ بهای زمین‌ها را نیز از متری ده‌ریال به دویست ریال بالا برده است . این بالا رفتن بهای زمین بیشتر در آن قسمت از روستا که به جاده نزدیک‌تر است به چشم می‌خورد و گرنه در آن سوی تپه و در وسط ده بهای زمین چندان تفاوتی نکرده است .



پاترده خانه‌ی پائین جاده در شش هفت سال اخیر ساخته شده است . مصالح این خانه‌ها آجر است و تیر آهن . و برخی به جای تیر آهن ، تیر چوبی به کار برده‌اند . از مصالح دیگر این خانه‌ها «پروفیل» است برای درو پنجره . دو پنجره را به اندازه‌هایی که لازم دارند سفارش می‌دهند در «کرج» بسازند .

مصالح که آماده شد یا بنای محلی را خبر می‌کنند و یا از شهر بنا می‌آورند .

در بنای آجری - چونان بناهای دیگر - نخست پی را سنگ و گل و آهک می‌ریزند و بعد از کف زمین شروع به ساختمان می‌کنند .

آجر را در دو ردیف می‌چینند و دیوار را بالا می‌آورند . سقف را اغلب «تیر» می‌گذارند و کمتر تیر آهن . پوشش سقف با خانه‌های دیگر تفاوت چندانی ندارد .

کف خانه‌ها در «چندار» از گل است و گچ و آهک . و در برخی از خانه‌های تازه کف را از سنگ و گل پر کرده بعد روی آن را گچ می‌مالند .

روکار خانه‌ها کاه گل است و در خانه‌های تازه روی کاه گل را گچ‌مالی می‌کنند .

### خانه‌های قدیمی

در «چندار» خانه به عنوان ارث به پسر می‌رسد ، اما اغلب پسرها که از خانه‌های قدیمی خوششان نمی‌آید ؛ آن خانه‌ها خراب می‌کنند و خانه‌ای با سلیقه‌ی خود می‌سازند . خانه‌های قدیمی در دامنه‌ی تپه قرار دارند و یکی از خانه‌ها متعلق به پیرمرد هفتادساله چندار است . این خانه در حدود ۱۲۰ سال قبل ساخته شده است .

مصالح این خانه از سنگ و گل است و برای ساختنش ، بنا روزی ۴ عباسی (۸۰۰ دینار) و کارگر ۲ عباسی (۴۰۰ دینار) مزد می‌گرفته است .

این خانه که تعمیرش کرده‌اند و دری تازه بر آن نهاده‌اند



تصویر شماره ۶ : نمونه‌ای از در ورودی خانه‌ها

چلیك ، بشكه ، یخدان ، سطل ، صندوق برای حمل گندم ، قوطی‌های روغن نباتی برای نگهداری حبوبات ، دوره dura (برای نگهداری پنیر) بستو bastu (برای نگهداری ترشی) مجموعه ، جاجیم ، لحاف ، تشك ، بالش ، پتو ، رادیو و ... در برخی خانه‌ها کمد فلزی ، چراغ گاز و وسائل شهری دیگر به چشم می‌خورد .

برای گرم کردن خانه در زمستان کرسی می‌گذارند: آتش کرسی از خاکه زغالی که در منقل حلبی می‌ریزند و زیر کرسی می‌گذارند ؛ تأمین می‌شود . و هوا - می‌گفتند - آنچنان گرم نمی‌شود که احتیاج داشته باشند اتاق را در تابستان خنك کنند .

#### مسکن در رابطه با معیشت

مبنای معیشت در «چندار» کشاورزی است و کارگری در کارخانه‌ها و مزارع ؛ و دامداری .

این سه عامل به نوعی در مسکن این ده تأثیر گذارده است . مثلاً در خانه‌ی يك دامدار بیشترین قسمت برای دام در نظر گرفته شده است . حیاط بی درخت است و مکانی برای درنگ دامی که از چرا باز می‌گردد . این مکان خوابگاه تابستانی دام نیز به شمار می‌آید . حیاط اثری در زندگی افراد خانوار ندارد .

یکی از دامداران چندار که ۲۳۵ گوسفند و بز و يك گاو دارد ، مجموع اتاقهای خانه‌اش را بدینگونه تقسیم کرده است :

خانگی هستند که در اثر سمپاشی ، در سالهای اخیر ، رو به کاهش رفته‌اند .

مار سفید را «فرشته» می‌دانند و کشتش را جایز نمی‌شمرند . اگر چنین ماری در خانه‌ای باشد ، آزادانه ، رفت و آمد می‌کند و کسی را با او کاری نیست .

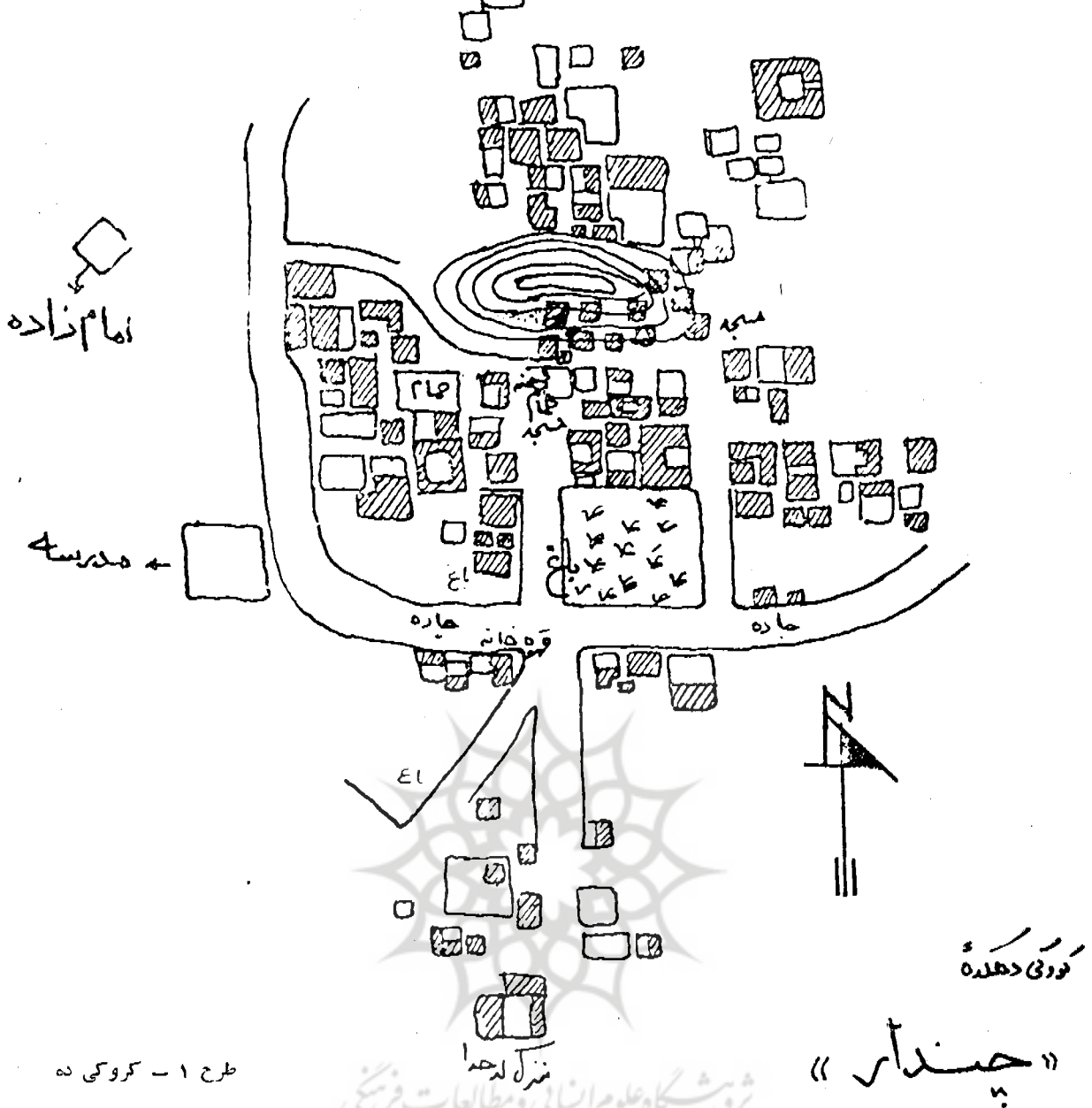
همینطور چلچله‌هایی که می‌آیند و در حاشیه‌ی دیوار بیرونی نزدیک به سقف لانه می‌سازند ؛ آزادند . خراب کردن لانه‌ی این پرند را گناه می‌دانند .

#### اثاثیه خانه

در يك خانه که اتاق نشیمنش - اغلب - با گلیم و گونی و حصیر و برخی با قالی فرش شده است ، این اثاثیه به چشم می‌خورد :

طشت ، قران qazân (دیگ) ، جام مسی وردنه ، نونه‌بند (نان‌بند) - که خمیر را پهن کرده روی آن قرار می‌دهند و بعد به تنور می‌چسبانند) ، سهنگ sehâng (کوزه‌ی گلی سفید) ، بشقاب ، صندوق چوبی (برای نگهداری نان) (طرح ۲) ، قلبیل (غربال) ، قلبیلچه (غربال کوچک) ، اوسر owsar (طبق چوبی که برای پاك کردن گندم مورد استعمال دارد) ، طاس حمام ، کم kam ، سبد ، کندوله kandule (کندوی گلی برای نگهداری گندم) (طرح ۳) - که آنرا يك چارك (در حدود ۴۰ سانتیمتر) بالاتر از کف اتاق قرار می‌دهند تا «گره رو» باشد -





طرح ۱ - کروکی ده

از خانه و در داخل ده . اما اغلب کشاورزان این ده يك تا دو گاو - لاقل - دارند و همينطور يك تا دو الاغ - گاو را به عنوان كمك هزينه‌ی زندگي نگاهمي‌دارند و الاغ را برای بردن كود به مزرعه و آوردن هيضم و استفاده‌هائي از اين قبيل . اين است كه خانه‌ی يك کشاورز تفاوت‌هاي اندكي دارد با خانه‌ی يك دامدار و تفاوت‌هاي بسياري دارد با خانه‌ی يك كارگر .

يكي از کشاورزان چندار - به عنوان نمونه - اتاقي‌های خانه‌اش را بدينگونه تقسيم کرده است :

- ۱ - يك اتاق به عنوان اتاق نشيمن و خواب .
- ۲ - يك اتاق برای آذوقه و اثائيه‌ی اضافی .
- ۳ - يك اتاق به عنوان انبار برای وسائل کشاورزی .

- ۱ - دو اتاق به عنوان اتاق نشيمن و خواب .
  - ۲ - يك اتاق برای نگهداری آذوقه و اثائيه‌ی اضافی .
  - ۳ - يك اتاقك برای نان پختن .
  - ۴ - پنج اتاق برای دام .
- حياط خانه‌ی اين دامدار تماماً در اختيار دام است و جز اينها ديوارهاي خانه‌اش را نيز برای خشك كردن «تاپاله» و بامهارا برای چيدن علوفه و «تاپاله» اختصاص داده است . خرد كردن علف هم كاریست كه درهواي معتدل روی بام انجام می‌گيرد . يعنی بامها و ديوارها و حياط همه درخدمت دام است . (طرح ۴)
- اغلب دامداران چندار آب وملك قابل توجهی ندارند و تنها برخی از اينان باغ ميوه‌ی كوچكي دارند دورتر از

۴ - يك اتاق به عنوان كاهدان .

۵ - دو اتاق برای دام .

۶ - يك اتاق برای نان پختن .

و از بامها در فصول مختلف بدینگونه استفاده می‌کند :  
الف - خشک کردن گندم شسته در پاییز .

ب - چیدن «تایه taye» (علیق) برای خوراک  
گاو و الاغ و احیاناً گوسفند و بز .

ج - چیدن «تاپاله» (Gamre)

د - خواب درتابستان . که درتابستان برای مصون

ماندن از پشه به فاصله تقریبی ۱۰ متری رختخواب «تاپاله»  
دود می‌دهند .

دیوارهای بیرونی خانه‌ی این شخص برای آویختن  
برخی از وسائل کشاورزی مورد استفاده قرار می‌گیرد ؛  
و حیاط انگار باغ کوچکیست که کوچه مانندی از کنارش  
می‌گذرد ، برای عبور دام . و طویله دورتر از اتاقهای دیگر  
قرار دارد که گویی به دامداری عنایت چندانی نمی‌شود . در  
عوض حیاط را درختان سیب پر کرده‌اند و درفاصله‌ی  
درخت‌ها نیز کشت صورت گرفته است . یعنی کشاورزی  
- حتی - کنار دیوارخانه نیز از یاد نرفته است .

اما در خانه‌ی يك «کارگر» وضع کاملاً فرق می‌کند  
به عنوان نمونه یکی از کارگران چندار اتاقهای خانه‌اش را  
بدینگونه تقسیم کرده است :

۱ - چهار اتاق به عنوان اتاق نشیمن و خواب : سه اتاق  
برای فرزندان که ازدواج کرده‌اند و يك اتاق برای رئیس  
خانواده .

۲ - يك اتاق برای نان پختن و نگهداری هیزم .

۳ - يك اتاقك برای غذا پختن (آشپزخانه) .

حیاط این خانه باغ کوچکیست که عنایت چندانی به  
آن نشده است . شاید به این دلیل که «کارگر کارخانه» از  
فوت و فن باغداری بی‌خبراست یا «وجود» و «عدم» باغك  
تأثیری در زندگی او ندارد .

از دیوارهای بیرونی این خانه هیچگونه استفاده‌ای  
نمی‌کند و بام خانه فقط درتابستان برای خواب است .



می‌بینیم که خانواده‌ی دامدار و کشاورز در این روستا  
تفکیک می‌شود ؛ اما خانواده‌ی کارگر به حال خود می‌ماند.  
در خانواده‌ی يك کشاورز یا دامدار همینکه پسر  
ازدواج می‌کند ؛ پدر چند دام یا چند جریب زمین به او  
می‌دهد و او می‌رود و خانه‌ای برای خود می‌سازد و به زندگی  
ادامه می‌دهد . اما در خانه‌ی يك کارگر ؛ پسر که ازدواج  
می‌کند اگر اتاقی باشد که میماند و گرنه اتاق تازه‌ای کنار  
خانه‌ی پدری می‌سازد و همانجا ماندگار می‌شود .

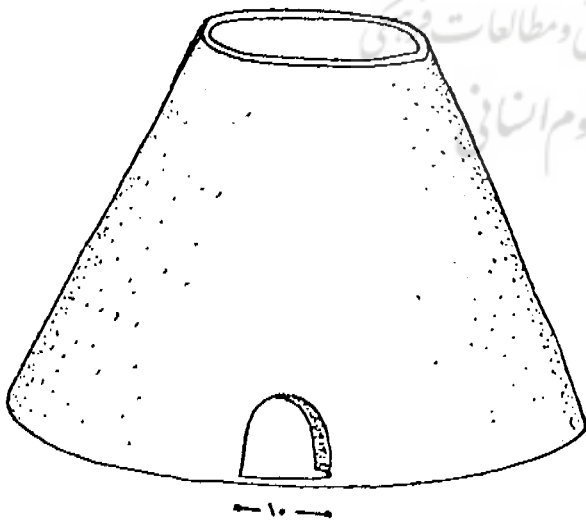
دیدیم که در این سه خانه بیشتر اتاقها به عنوان اتاق  
نشیمن و خواب درخانه‌ی يك کارگر به چشم می‌خورد .

در مجموع از ۱۹۰ خانه‌ای که «پلاك» دارند درمقابل  
۲۱۵ خانوار جمعیت چندار می‌توانیم به این نتیجه برسیم که  
اغلب پسرها پس از ازدواج ، خانه پدری را ترك می‌کنند .

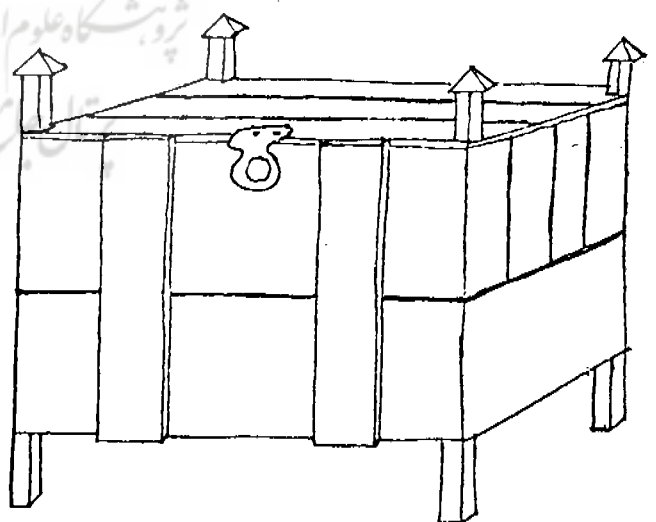


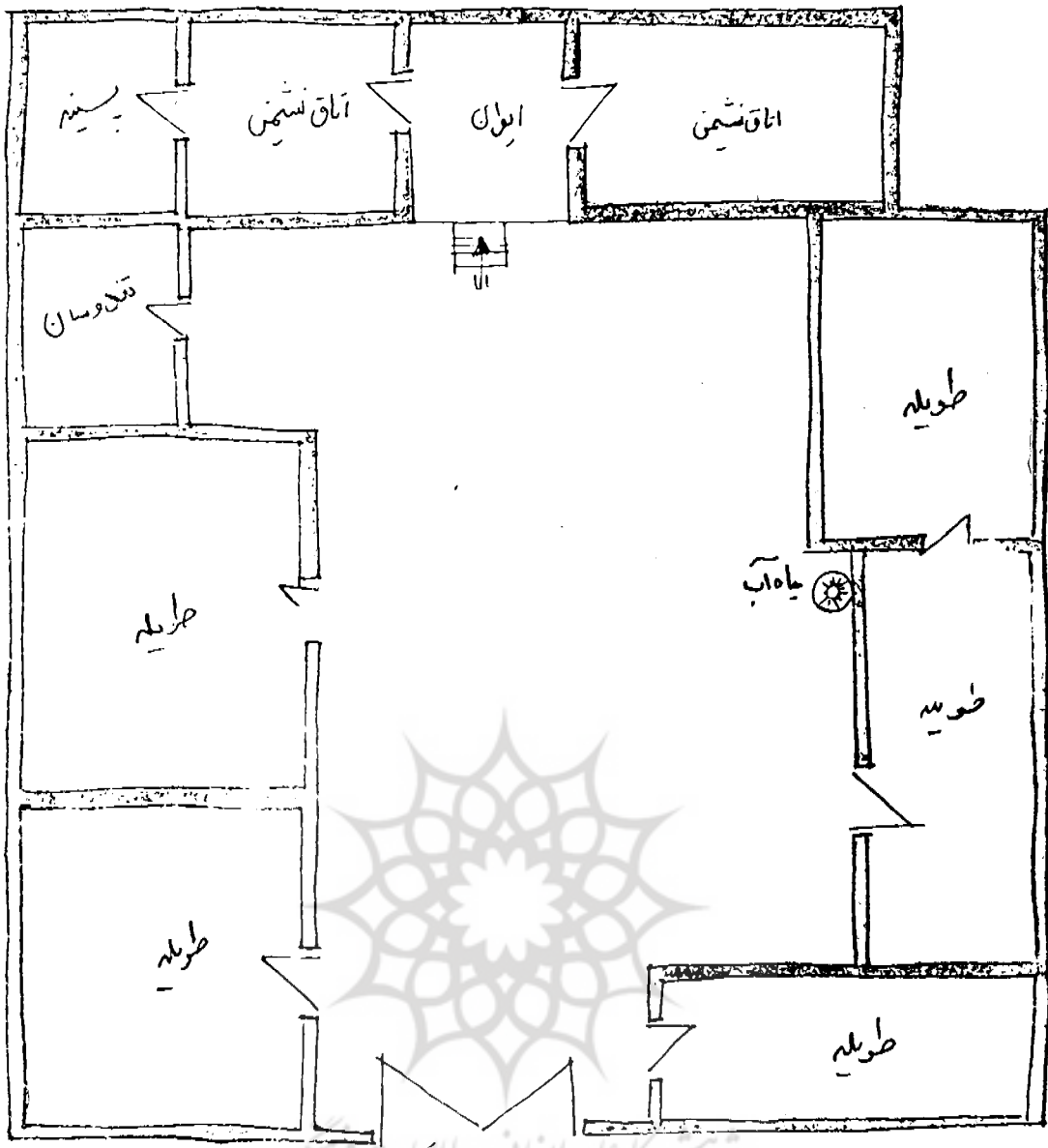
این مختصر را می‌توان در ده قدیمی که از پشت جاده  
آغاز می‌شود و پشت تپه را نیز دربر می‌گیرد ؛ تا حدود

طرح ۳ - «کنوله» برای نگهداری گندم



طرح ۲ - صندوق چوبی برای نگهداری نان





طرح ۴ - خانه‌ی یک دامدار

۱- «میز» و «مميز Mamiz» گویند. دربرهان قاطع آمده است: «میز - با ثانی مجهول و سکون زای نقطه‌دار، ... پیشاب و شاش را نیز گویند و بعربی بول خوانند - دایر باین معنی هم هست یعنی شاش و بول کن - وبمعنی بول‌کننده نیز آمده است. برهان قاطع - جلد چهارم - باهتمام دکتر محمد معین. ص ۲۰۷۶

۳ - «گل مهر» گلی است که لگد کرده‌اند و شکل داده‌اند با عرض و طول مساوی در حدود ۵۰×۵۰ سانتیمتر که اندازه‌های مشخص ندارد.

۴ - آقای پرویز اذکائی محقق مرکز پژوهش‌های مردم‌شناسی براین عقیده‌اند که: بااحتمال قوی تندرسان، مخفف و دگرگشته‌ی «تنورستان» - جایگاه تنور، می‌باشد.

زیادتی تعمیم داد. البته اگر کارگری فعالیت‌های دیگر نیز داشته باشد و همینطور دامداری؛ کشاورز هم باشد، مسکن نیز کمی فرق خواهد کرد. اما سه موردی که آورده شد، درمجموع، با مسکن روستای چندار تطبیق می‌کند.

۱ - این بوته را از آن جهت «کاروان کش» نامند که گویند: کاروانی از صحرا می‌گذشت و هوا پس سرد بود. شب شد. کاروانیان در صحرا ماندند و از آن بوته یافتند و هرچه کردند نتوانستند با آن آتشی برافروزند و گرم شوند. و... مردند.

۲ - یعنی بوته‌ای که سگ به آن می‌شاشد. «میز Miz» یعنی ادرار، شاش. در قسمت کوهستانی گیلان شرقی نیز، مدفوع نوزاد